

منطق حیرانی

در باب استدلال حقوقی

حسن جعفری تبار

(عضو هیات علمی دانشگاه تهران)

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۳۹۹

فهرست مطالب

مقدمه / ۹

- گفتار نخست: قیاس حقوقی (اسکاتِ مخاطب) / ۱۹
- گفتار دوم: خطابه حقوقی (اقناع مخاطب) / ۴۱
- گفتار سوم: خطابه حقوقی (احتمال علیه ضرورت) / ۶۳
- گفتار چهارم: جدل حقوقی (الزام مخاطب) / ۸۳
- گفتار پنجم: گفتگوی حقوقی (گفتمان عقلانی) / ۹۷
- گفتار ششم: گفتگوی حقوقی (نظریه آئینی) / ۱۲۳
- گفتار هفتم: حیرانی حقوقی (قانون گذاری) / ۱۵۵
- گفتار هشتم: حیرانی حقوقی (قضاوت) / ۲۱۷
- گفتار نهم: مغالطه حقوقی / ۲۵۹
- کتاب نامه / ۲۸۷
- نمایه / ۲۹۳

گفتار نخست:

قیاس حقوقی (اسکاتِ مخاطب)

حقوق و منطق صوری

استدلال صوری حقوقی، که قدیمی‌ترین شیوه استدلال حقوقی است، در منطق ارسطو ریشه دارد، و به این دلیل که از طریق قیاس‌های منطقی مشخص به استنتاج‌هایی ریاضی‌شکل می‌رسد به آن نظریه قیاس استدلالی، استدلال قیاسی^۱، قاعده استنتاج^۲، استدلال صوری، یا استدلال ریاضی نیز می‌گویند. پس مقصود از شیوه منطقی صوری در حقوق، همان منطق سنتی و دستوری ارسطویی است که عبارت است از به کارگیری استدلال‌هایی کلیشه که به طور معمول به شکل اشکال مختلف قیاس ظاهر می‌شوند، و به همین دلیل آن را آنالوطیقای حقوق (= آنالوژی، قیاس و تمثیل) می‌توانم بنامم.

در دوران ما پُر بیراه نیست اگر با شنیدن واژه منطق^۳، به یاد منطق صوری ارسطویی بیفتیم؛ به این دلیل که امروز برای دیگر انواع دلیل‌آوری غالباً اصطلاح استدلال^۴ را به کار می‌برند نه واژه منطق را. با وجود این، منطق ارسطویی آن‌قدر در ذهن همه ما رسوخ و نفوذ کرده است که هر جا سخن از استدلال نیز می‌شنویم،

1. theory of the assertoric (and categorical) syllogism

2. *Modus ponens*

3. logic

4. reasoning

کمابیش به یاد ساختارهایی نظیر مثال‌های (۱) تا (۴) می‌افتیم؛ ساختارهایی که به آن قیاس می‌گویند. برتراند راسل بر آن بود که اگر کسی امروز بخواهد منطق بخواند و به سراغ کارهای ارسطو و شاگردانش برود، فقط وقت خود را تلف کرده است.^۱ به رغم درک درستی این نکته راسل و نیز همه ایرادهای دیگری که به منطق سنتی وارد شده، باید انصاف داد که ارسطو سیاقی درست را در دلیل‌آوری فهم کرده بود و آن، چنان که گفتم، این بود که برای موجه جلوه دادن هر ادعا باید مقدماتی را، که همه از جنس سخن هستند، پشت سر هم ردیف کرد^۲ و، به نظر من، این چیزی نیست که منطق نو بتواند آن را به راحتی نپذیرد.

این ساختار را که باید چیزی گفت و چیزی دیگر نتیجه گرفت صورت یا شکل استدلال^۳ می‌گویند، و مظلومی را که در این ظرف ریخته می‌شود ماده یا محتوای استدلال^۴ می‌نامند. بدین‌سان، در درون ساختار (۱) با حفظ دو واژه هر و است، می‌توان محتوای متفاوتی را قرار داد و به قیاس‌های (۲) تا (۳) رسید. مسأله‌ای که هست آن است که در منطق قیاسی باید حساب ساختار و صورت استدلال را از ماده و محتوای آن جدا شمرد، و باید دانست که منطق ارسطو فقط می‌خواهد خود را وقف کشف صورت‌ها و ساختارهایی کند که بتوان آنها را ساختارهایی معتبر برای یک استدلال درست و منطقی برشمرد. پیروان منطق صوری چنین می‌گویند که موضوع منطق، روش درست اندیشیدن است. پس منطق صوری کاری با عالم واقع ندارد بلکه به جهان فکر می‌پردازد، و به همین دلیل به صورت استدلال عنایت دارد نه محتوای آن.^۵ با وجود این، توجه به صورت بدان معنی نیست که منطق ارسطویی به ماده استدلال کاملاً بی‌توجه است؛ منطق‌دان ارسطویی نیز از آنجا که بی‌گمان می‌خواهد به حقیقت برسد، خوب می‌داند که اگر مواد استدلال دروغ

1. Eemeren, Garssen, Krabbe, Henkemanse, verheij, Wagemans, *handbook of argumentation*, Springer, 2014, p. 54.

۲. رک. حاشیه میرزا عبدالله بر تهذیب المنطق تفتازانی، به خط عبدالرحیم، چاپ سنگی، ص ۱۱۲: قیاس سخنی است تشکیل شده از چند گزاره که (پذیرش آن) ذاتاً ملازمه دارد با (قبول) سخنی دیگر؛ نیز رک. بهمنیار بن مرزبان، التحصیل، به تصحیح مرتضی مطهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸.

3. form

4. content, matter

۵. رک. جان دیوئی، منطق (تئوری تحقیق)، ترجمه علی شریعتمداری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۴۸۳.

باشند، دل خود را به قیاسی بی نتیجه خوش کرده است. پس برای آنکه حق مطلب را در منطق ارسطویی و صوری تا حدودی ادا کرده باشیم، می‌گوییم بر بنیاد منطق صوری، سه نوع استدلال حقوقی وجود دارد:

۱. استدلال معتبر^۱ و نامعتبر^۲: در استدلال معتبر، صورت استدلال معتبر است هر چند ماده می‌تواند صادق یا کاذب باشد. در استدلال نامعتبر اما صورت استدلال فاقد اعتبار است، گرچه ممکن است محتوای گزاره‌ها صادق یا کاذب باشد. به اعتبار منطقی استدلال، صدق منطقی^۳ استدلال نیز می‌گویند که نباید آن را با صدق محتوایی آن که در پایین به آن اشاره می‌شود آمیخت.^۴

۲. استدلال صادق^۵ یا کاذب^۶: در استدلال صادق، ماده استدلال صادق است، گرچه صورت استدلال می‌تواند معتبر یا غیر معتبر باشد. استدلال کاذب نیز استدلالی است که محتوای آن کاذب است، گرچه صورت استدلال دارای اعتبار باشد.

۳. استدلال مُنتِج (= دُرست = نتیجه‌بخش)^۷ و عقیم (= نادرست)^۸: در استدلال درست، هم صورت استدلال معتبر است و هم ماده آن صادق است، و اگر غیر از این باشد استدلال عقیم و غیر مُنتِج است.

برای مثال، در نظر ارسطو ساختار مثال (۱)، با صرف نظر از محتوای آن، از حیث منطقی ساختاری است معتبر، که البته در صورت صادق بودنِ موادی که در آن ریخته می‌شود قطعاً می‌توان امیدوار بود که نتیجه‌ای درست نیز به ما بدهد، همچون مثال‌های (۲) و (۳) و (۴). با وجود این، ممکن است همین ساختار معتبر با موادی غیرصادق پر شود و مثال (۵) حاصل شود. در این صورت اگرچه ما نمی‌توانیم به نتیجه‌ای درست برسیم، ولی نمی‌توانیم به هیچ‌وجه در اعتبار صورت استدلال تردید کنیم:

1. valid 2. invalid 3. logical truth

۴. رک. ضیاء موحد، درآمدی به منطق جدید، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳، و نیز کورش صفوی، منطق در زبان‌شناسی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۴۲.

5. true 6. false 7. sound 8. unsound